

۱۶۷۵۶

مجله	معارف اسلامی
تاریخ نشر	شهر سردر ۱۳۴۵
شماره	۱
شماره مسلسل	
محل نشر	تهران - سازمان اوقاف
زبان	فارسی
نویسنده	ابوالحسن شُرانی
تعداد صفحات	۲۳ - ۱۹ (۴)
موضوع	تفصیل الآیات
سرفصلها	صرف کتاب تفصیل الآیات، لغت المطالب (در آستانه اعجاز)
کیفیت	
ملاحظات	

لاستوفان
کتابخانه

تفصیل آیات

نوشته: استاد ابوالحسن شعرانی

دیگر از کتب مفید آنان فهرستی است که مستشرق فرانسوی موسوم به ژول لایبوم برای مطالب قرآن مرتب ساخته و استاد افندی محد فؤاد عبدالباقی هم آنرا بنام تفصیل آیات ترجمه و منتشر ساخته است و این تالیف نویسندگان و اهل تحقیق را بسیار بکار میآید چون اگر کسی خواهد درباره يك مطلب همه آیات قرآن را فراهم کند بی این کتاب دشوار است مثلاً در باره زکوة یا قصص یکی از انبیاء و نظر در مصنوعات الهی در سوره های قرآن متفرق آمده و با این کتاب میتوان همه آیات مختلفه راجع بیک موضوع را یکجا ملاحظه کند ملخص سخن فرید و جدی پایان رسید .

یاری این گونه فهرست مطالب که برای اکثر کتب خویش بترتیب حروف تهجی فراهم کرده اند برای ما مسلمانان بسیار بدیع است زیرا که نظیر آن در میان خود ندیده ایم جز اینکه صاحب بحار الانوار در هر باب که برای عنوانی آماده کرده است در آغاز کلام آیات قرآنی راجع بآن باب را فراهم کرده است و ما پیش از اینکه درباره آن و نواقص یا محسّنات آن چیزی بنویسیم بذكر چند نکته لازم مبادرت میورزیم .

البته قرآن کریم برای هدایت عقول بشر براه حق و تکمیل صفات حسنه و مکارم اخلاق نازل گردیده و مردم باید بتدبیر در معانی آن راه سعادت را تمیز دهند اما عنایت خدا و رسول صلی الله علیه و آله بحفظ آن نیز تعلق گرفته تا متأخران گرچه هزاران سال بگذرد یقین داشته باشند این کتاب آسمانی بی تغییر و تبدیل چنانکه نازل شده بدست آنان رسیده است زیرا که اگر چنین یقین نباشد خود در معانی آن هم تدبیر نمیکنند . برای حفظ آن احکامی مقرر فرمودند که کلمات و حروف آن چنانکه در صدر اول خوانده و شنیده میشد با نظارت همه مسلمانان بی تغییر مصون ماند .

تلاوت قرآن یعنی ادای کلمات آن چنانکه نازل شده است خود در دین اسلام عبادت است ، هر چند خواننده معنی آنرا نداند . نقل معانی آن عبادت دیگر ، هر چند الفاظ آنرا بر زبان نراند و حکمت بزرگ این دستور نگهداری

دانشمندان اسلام بلکه غیر مسلمانان هم بدانستن الفاظ و معانی و تاریخ و شأن نزول و تفسیر و آنچه متعلق بقرآن است اهتمامی سخت داشته و دارند و علوم بسیار در نتیجه کوشش آنان مدون گشت که فعلاً مقصود تعداد و بیان آنها نیست ، و از زحمات آنان ترتیب فهرستی است مشتمل بر جمع مطالب متفرقه آن که یکی از حوائج بزرگ مراجعین قرآن است و بعضی مستشرقان عیسوی آنرا مرتب ساخته اند یکی از آنها موسوم به تفصیل آیات است که بعمری ترجمه و طبع شده است .

عالم مشهور مصری فرید و جدی درباره آن مقاله نوشته است که من در جای دیگر همه آنرا نقل کرده ام و اکنون منتخبی از آن ایراد میشود ، وی گوید :

اروپائیان از آنکاه که با مردم مشرق مرادوه آغاز کردند و بشناختن دین و لغات و مذاهب قبائل عنایت نمودند و برای آنکه حقیقت هر چیز را چنانکه باید دریابند بحث در هر موضوع را بگروهی خاص سپردند و هر دسته برای تحقیق امری کوشیدند و بکشورهای شرقی سفرها کردند و لغات آنان را آموختند و از عادات آنان اطلاع یافتند و در آثار گذشتگان مانند خطوط و تفاسیها و ابنیه و غیر آن دقت کافی نموده و اسرار خطوط قدیم را دریافتند و از هیچ کوشش دریغ نداشتند تا در تواریخ اقوام گذشته آنچه توانستند کشف کردند . اگر رفیع آنان را در کشف مهمات تاریخ امم مشرق و لغات و ادیان ایشان نا دیده گیریم حق آنها را نشناخته و احسانی را انکار کرده ایم . . .

یکی از کارهای نیکوی آنان برای آسانی بحث و تحقیق فهرست هائی است که بر حسب ترتیب مطالب با حروف معجم مرتب ساختند ، در این نزدیکی عالم انگلیسی فهرستی برای یافتن احادیث چهارده کتاب از کتب احادیث تالیف کرده و استاد محمد افندی فؤاد عبدالباقی بعمری ترجمه و آنرا مفتاح کنوز السنه نام نهاده است همه علماء بچنین کتاب حاجت داشتند تا هر کس حدیثی خواهد بداند در کدام يك از کتب این فن آنرا تواند یافت . دیگر دائره المعارف اسلامی است که خلاصه آنچه در باره اسلام باید گفت مرتب بر حروف هجا فراهم آورده اند .

در کتاب

شعاعی
به اعلی

معارف اسلامی

تفصیل الایات

قرآن است از تحریف و تبدیل چون همه مسلمانان در اکتاف عالم باین تقیید نکهبان قرآنند و مواظب یکدیگر که در آن تغییری رخ ندهد .
 عنایت پیغمبر صلی اله علیه وآله و مسلمانان عصر اول بر آن بود که عین الفاظ بی کم و زیاد بر زبانها جاری گردد و اگر کسی نتواند چنانکه باید لفظ آنرا بزبان ادا کند حتی برای لکنت و آفت ، امامت وی در جماعت باطل باشد .

از این جهت مشاهده میکنیم که الفاظ و حروف آن مضبوط است و اگر یک و او یا یک الف در قرائتی زائد بر قرائت دیگر باشد آنرا در کتب خاص ذکر کرده اند و برای آن چند مثال ذکر میکنیم :

بعهد عثمان چند مصحف صحیح نوشتند و هر یک را مصحف امام نام نهادند و هر یک را بشهری فرستادند تا اهل آن شهر و نواحی اطراف بدان رجوع و قرآنها را با آن مقابله کنند از جمله یکی در کوفه بود و یکی در بصره و یکی در دمشق و همچنین ... و اختلاف میان کتابت آنها نبود مگر آنکه در همه آنها جایز و صحیح و قرائت بدان مجاز شمرده میشد از جمله در سوره بقره آیه ۱۳۲ در مصحف مدینه و شام « و اوصی بها ابراهیم بنیه » و در دیگر مصاحف « و وصی بها » است . در آل عمران آیه ۱۳۳ هم در آن دو مصحف سارعوا بدون واو عطف است و در مصاحف دیگر و سارعوا در سوره مائده آیه ۵۳ ... یقول بدون واو عطف است و در مصاحف دیگر و یقول . در همان سوره آیه ۵۴ من یرتد بجای من یرتد ، در سوره براءة آیه صد و حفت الذین اتخذوا مسجدا ضارا بجای الذین اتخذوا اودر سوره براءة آیه صد تجری تحتها الانهار و در بعضی مصاحف تجری من تحتها . در سوره یس ما عملت ایدیهیم بجای و ما عملته ایدیهیم بزبادت ضمیر . و امثال این اختلاف بسیار است و همه از زمان پیغمبر صلی اله علیه وآله مجاز بود . آنچه ذکر کردیم نمونه بود تا خوانندگان نسخ اختلاف آنرا بدانند .

قرآن است از تحریف و تبدیل چون همه مسلمانان در اکتاف عالم باین تقیید نکهبان قرآنند و مواظب یکدیگر که در آن تغییری رخ ندهد .
 عنایت پیغمبر صلی اله علیه وآله و مسلمانان عصر اول بر آن بود که عین الفاظ بی کم و زیاد بر زبانها جاری گردد و اگر کسی نتواند چنانکه باید لفظ آنرا بزبان ادا کند حتی برای لکنت و آفت ، امامت وی در جماعت باطل باشد .
 از این جهت مشاهده میکنیم که الفاظ و حروف آن مضبوط است و اگر یک و او یا یک الف در قرائتی زائد بر قرائت دیگر باشد آنرا در کتب خاص ذکر کرده اند و برای آن چند مثال ذکر میکنیم :

بعهد عثمان چند مصحف صحیح نوشتند و هر یک را مصحف امام نام نهادند و هر یک را بشهری فرستادند تا اهل آن شهر و نواحی اطراف بدان رجوع و قرآنها را با آن مقابله کنند از جمله یکی در کوفه بود و یکی در بصره و یکی در دمشق و همچنین ... و اختلاف میان کتابت آنها نبود مگر آنکه در همه آنها جایز و صحیح و قرائت بدان مجاز شمرده میشد از جمله در سوره بقره آیه ۱۳۲ در مصحف مدینه و شام « و اوصی بها ابراهیم بنیه » و در دیگر مصاحف « و وصی بها » است . در آل عمران آیه ۱۳۳ هم در آن دو مصحف سارعوا بدون واو عطف است و در مصاحف دیگر و سارعوا در سوره مائده آیه ۵۳ ... یقول بدون واو عطف است و در مصاحف دیگر و یقول . در همان سوره آیه ۵۴ من یرتد بجای من یرتد ، در سوره براءة آیه صد و حفت الذین اتخذوا مسجدا ضارا بجای الذین اتخذوا اودر سوره براءة آیه صد تجری تحتها الانهار و در بعضی مصاحف تجری من تحتها . در سوره یس ما عملت ایدیهیم بجای و ما عملته ایدیهیم بزبادت ضمیر . و امثال این اختلاف بسیار است و همه از زمان پیغمبر صلی اله علیه وآله مجاز بود . آنچه ذکر کردیم نمونه بود تا خوانندگان نسخ اختلاف آنرا بدانند .

چون معلمین قرآن در زمان پیغمبر صلی اله علیه وآله و سلم ، بسیار بودند و از جمله آنان یکی ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود و آنان هم در یساره حروف باهم اختلاف داشتند و همه در محضر پیغمبر صلی اله علیه وآله قرآن میآموختند باید گفت همه آن

تفصیل الایات

نقل و سماع و اختراع علم نحو و صرف و لغت و اعراب و بیاض و علامت هر يك دليل اهتمام شدید آن‌ها است و امروز ما در این زمان یقین داریم آنچه در مصحف مرقوم است عینا همان است که دست‌بندست از عهد صحابه بما رسیده است و برای آنکه همه کس مقدار این اهتمام را بدانند چند مثال ذکر میکنیم،

کاتبان عصر اول چند حرف برخلاف متعارف نوشتند و شاید بی‌قصد مخالفت مثلا در سوره کهف آیه «و لا تقولن لشیء» بزیادت الف پیش از یا با آنکه همه جاه‌شینی، میتوبستند بی‌الف و نویسنده اول غرض خاصی نداشت اما کاتبیکه پس از کاتب اول قرآن نوشتند همه این خصوصیت را مراعات کردند و هر چه مصحف در عصر صحابه و پس از آن تاعهد مانوشند در این کلمه زیادت الف را رعایت کردند تا تو هم تصحیف قرآن نشود و متاخران خود را در تغییر آن مجاز شمارند - دیگر کلمه الایکه که در سوره ص (آیه) ایکه نوشته شده است همان ضبط را واجب شمرده با آنکه در غیر این آیه الایکه نوشته میشود مطابق رسم معهود. کلمه جزاء در جاهای مختلف قرآن بصورت‌های مختلف نوشته شده گاهی جزا یا الف و واو جایی جزا و یا دوالف یکی آخر کلمه زیاد کردند و متاخران هم عین همان ضبط اول را مراعات کردند تا تو هم تحریف نشود - و از این قبیل بسیار است و اگر بعضی خوانندگان ما قرآنی برخلاف آنچه گفتیم مشاهده کنند دلیل آن است که نویسنده جاهل بوده است و آن نسخه‌ها که بدست علمای قرآن نوشته یا تصحیح شده است رعایت آنچه گفتیم کرده‌اند.

تفصیل الایات

فهرستی است از مهمترین مطالبی که بنظر مولف

جمع کردن آن لازم بوده است و در آن هر آیه که مربوط بیک معنی باشد از هر سوره دنبال هم فراهم شده است و مؤلف چنانکه گفتیم فرانسوی است البته تألیف مفید و بدیعی است اما برای رهنمائی مسلمانان مناسب است عیوب و نواقصی که در ترجمه مطبوعه آن بزبان عربی یا فارسی مشاهده شده است ذکر کنیم تا نویسندگان و مؤلفین محترم بالتفات و توجه برای تدارک نقصان چنین عمل مهم دامن همت بکمرزنند و بجای طبع کتب بی‌هوده و تکرار مکررات تألیفی نظیر آن حتی المقدور خالی از نواقص مشهوده تألیف نمایند و این حدیث هم از معصومین علیهم السلام بصحت پیوسته که القرآن یفسر بمضه بعضی آیات

باشد در قرائت حجت نیست، اکنون گوئیم نقل یک نفر یاد و نفر هم کافی نیست و مسلمانان از اول اسلام تا کنون نقل آحاد مردم را در قرائت قبول نکردند بلکه باید ناقلان یا اندازه باشند که از سخن آنان یقین بصحت نقل حاصل شود و این معنی را تواتر گویند.

اگر کسی در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و زمان صحابه میگفت من از حضرت شنیدم فلان کلمه قرآن را چنین خواند از او نمیبذیرفتند - هر چند در تقوی بیالاترین مقام رسیده باشد بلکه باید چند تن بیک روش نقل کنند تا یقین حاصل شود که پیغمبر صلی الله علیه و آله چنان خواند. جماعتی بجهت آنحضرت معلم قرآن بودند و در حضور آنحضرت و باذن او تعلیم قرآن میکردند و در حقیقت نقل آنها متواتر بود و آنچه میگفتند مردم یقین داشتند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بقرائت آنها راضی است مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و پس از عهد صحابه نیز هر کس عالم قرآن بود تا یقین نمیکرد نقل قرائتی از یکی از آنان بصحت پیوسته و متواتر شده آنرا نمیبذیرفت.

امروز قرائت هفت قاری مشهور است و اسامی آنان در کتب تفاسیر و غیر آن مذکور. آنان خود قرائت را بتواتر و طرق یقینی فرا گرفتند و تا چیزی برای آنها یقین ثابت نشد قبول نکردند. قرائت آنها هم بدست ما بتواتر رسیده است زیرا که از زمان آنان تاعهد ما پیوسته قرائت آنها مشهور و متداول بود و همه مسلمانان از همه مذاهب شیعی یا سنی یا خارجی در مشرق و مغرب عالم از اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند قرآن را بیک از این هفت قرائت میخواندند و از حفظ میکردند و جماعتی از علما ضبط قرائت ایشان را فن خویش قرار داده بودند تا امروز بر این قاعده باقی‌نند. با حضور این همه مردم با علم و اطلاع و توجه آنان کتب شرق تا غرب متداول بود و کتب غرب تا مشرق و همه قراآت سبعمبرایک طریق نقل کردند محال است چهل و افتراء در آن راه یابد. کتاب تیسیر از یکی از مردم دانیه از بلاد اسپانیا است در مشرق دایر بود نویسنده کتاب یکنفر است و شاهد صدق او در نقل هزاران هزار که بقراآت عالم بودند و کتاب او را پذیرفتند.

حفظ قرآن از تحریف چیزی برای علمای صدر اول مهمتر از حفظ الفاظ

قرآن نبود و آنچه گفتیم در تلاوت و وقت قراء در

معارف اسلامی

صحابه از خود در بیک از منافای سهیل بر

مدرک نقل است با در آن ادله و که ما در باعتمکلم هم سکون ان قرآن به سکون در ۲۱۲ رفتند و نکرد یا با نژاست.

بح دال و در بعضی ی قدر یا مؤمنون حجه (آیه) ، فخوانده ، قدر همه آنتد علی - بتوانند و نمیکردند بن قرائت پا و ز نکرد. در پاره بردند همانند تمه بر فحاه یرضه و است هم او فیهی تمه ها ضمیر بود.

مدرک و است و رأی چه بر حسب لغری صحیح فی اسلامی

تفصیل الایات

زحمت اورا تقدیر میکنیم و نفس آنرا در این میدانیم که حاجت ما مسلمانان در مراجعه قرآن و مطالب آن از سنخ حاجت مرد مسیحی نیست . مثلاً ما میخواهیم بدانیم اعجاز قرآن و اینکه بشر مانند آن نخواهد آورد و اینکه در چند موضع خبر غیب داده است و آیات امامت و ولایت در کدام سوره است . امام مسیحی باینگونه امور حاجت ندارد و در امثال آن استقصاء کافی نکرده است . اگر مسلمانی چنین تفصیل الایات مرتب میکرد بطریق دیگر مناسب با ذوق خویش میکرد . باری آن عیجده قسم که مطالب قرآنرا بدان

تقسیم کرده این است :

۱ - تاریخ ۲ - صفات و اخلاق پیغمبر صلی الله علیه و آله ۳ - نبوت عامه ۴ - مطالب راجع بنبی اسرائیل ۵ - قصص پیغمبرانی که در تورات مذکورند ۶ - مطالب راجع به مسیحیان ۷ - مسائل علم کلام یا الهیات ۸ - اثبات خداوند و توحید و صفات او ۹ - مطالبی راجع بقرآن و وحی ۱۰ - دین یعنی یادداشت و مجازات ۱۱ - در عقاید ۱۲ - در عبادات ۱۳ - شریعت ۱۴ - نظام اجتماعی ۱۵ - علوم و فنون ۱۶ - معاملات و تجارت ۱۷ - تهذیب اخلاق ۱۸ - ظفر یافتن اهل حق بر باطل .

آنگاه هر يك از اقسام را بفصولی چند بخش کرده است و آیاتی راجع بهر يك آورده . مثلاً در تاریخ که قسم اول است چهار واقعه را ذکر کرده است .

۱ - آمدن اصحاب فیل برای خرابی خانه کعبه ۲ - یاجوج و ماجوج و تباهی آنان در زمین ۳ - قصه ذوالقرنین ۴ - جنگ فارس و روم ۵ - قصص انبیاء مانند موسی و فرعون و ابراهیم و یوسف و عیسی راجع به تاریخ شمرده است چون در اصطلاح مسیحیان حکایات انبیاء را تاریخ نمیگویند اما پیش مسلمانان فرقی میان انبیاء و ملوک و دیگران نیست و تاریخ در اصطلاح آنان گزارش و قایع گذشته است عرجه باشد و کتب تاریخ عربی و فارسی مانند تاریخ طبری و کامل و ابن خلدون و روضة الصفا شامل همه است از این جهت عنوان تاریخ در تفصیل الایات و اختصاص آن بچهار واقعه بنظر مسلمان غریب میآید .

سایر اقسام را نیز بچند بخش کرده که غالباً با ذهن ما مانوس نیست .

۱ - دربارهٔ هجرت رسول صلی الله علیه و آله باب دوم تنها آیه ۱۳ از سوره قتال که سوره ۴۷ قرآن است آورده است و «و کأین من قریة هی اشد من قرینک التي اخرجتک اهلکناهم فالاناصر لهم» . مرحوم مجلسی علیه الرحمه در بحار الانوار در هر باب آیات متعلقه

معارف اسلامی

قرآن خود یکدیگر را تفسیر میکنند و البته طبیعی است با مقایسه چند عبارت از یک کتاب و تطبیق آنها با یک دیگر بسیاری از مواضع مبهم آن واضح میگردد .

قرآن را بزبانهای مختلف ترجمه قرآن آسیائی و اروپائی ترجمه

کرده اند . در مقدمه ترجمه فرانسوی ادوار مونت گویدلست کامل این ترجمه ها را شوون (Chauvin) در کتابی ذکر کرده است و مجموع آنها به ۲۸ زبان است . آقای دکتر سلماسی زاده کتابی بنام (تاریخ سیر ترجمه قرآن) تالیف نموده و مطبوع و منتشر است تفصیل تراجم معروفه و خصائص هر يك را بتفصیل بیان کرده است و با وجود آن خود را محتاج بشرح بیشتر در این باب ندیده .

تفصیل الایات و کشف الهمطالب

عادت اروپائیان است که در آخر بسیاری از کتب خویش فهرستی مرتب بر حروف هجا ضمیمه میکنند خاصه کتب بزرگ که مشتمل بر مسائل گوناگون باشد تا یافتن هر مطلب مرجوینده آسان باشد چنانکه کتابهای طبی فهرستی دارند مشتمل بر اسامی امراض و علامات و داروها و غیر آن که هر کس خواهد آن عنوان را در محل خود بیابد و بعضی کتب آنان که بفارسی ترجمه شده است مانند طب سلیم موسوم به شفا به بدین طریق فهرستی پیوسته دارد . بعضی مترجمین نظیر این فهرست برای قرآن هم مرتب کرده اند مثلاً در حرف الف آدم ابراهیم و امثال آن در کدام آیه مذکورند و در حرف ت توحید و تثلیث و در حرف نون نبوت و در حرف ز از کوه و همچنین .

یکی از مردم فرانسه موسوم به زول لایوم برای تسهیل یافتن مطالب متفرقه قرآن طریق دیگری برگزیده است و همه مطالب قرآن را بپیچیده قسمت کرده و هر قسم را بچند فصل و در هر يك آیاتی راجع بآن يك حا فراهم آورده است کتاب او باندک تنبیر در ترتیب ابواب بفارسی ترجمه شده و بنام کشف الهمطالب در پاره قرآنها چاپ ایران ضمیمه گردیده است و اخیراً در مصر بنام تفصیل الایات بهربی ترجمه کرده اند و منتشر شده و در هر فصل عین آیات قرآنرا آورده است . یا اینکه مصریان در ستایش این کتاب میانه کرده اند چنانکه باید از آن بهره نتوان گرفت و بعضی نواقص آنرا استدلال نتوان کرد که از سطور آینده انشاء الله معلوم میگردد باینحال مؤلف رنجی کشیده و ابتکاری کرده است و ما این

تفصیل آیات

بن میدانیم
مطالب آن
میخواهیم
نخواهد
ده است و
اما مسیحی
استقصاء
پیل آیات
نی میگرد
نرا بدان

بر صلی الله
جمع بینی
مذکورند
علم کلام یا
مطالبی
و مجازات
ریت ۱۴-
معاملات و
بن اهل حق

چند بخش
بلا در تاریخ
ست
ابی خانه
در زمین ۳-
نصص انبیاء
پسی را جز
یان حکایات
تان فرقی
در اصطلاح
باشد و کتب
کامل و این
جیت عنوان
چهار واقه

که غالباً با
به علیه و آله
۴۷ قرآن
من قرینک
حوم مجلسی
بات متعلقه
ف اسلامی

معارف اسلامی

بآن باب را فراهم کرده از جمله در هجرت چند آیه
غیر از این آیه نیز ذکر کرده است مانند آیه ۲۹ از سوره
انفال (سوره ۸) «واذیمکربک الذین کفروالیثیوک
اویقتلوک اوبخرچوک» و آیه ۳۹ سوره التوبه (۹)
الانصره «فقد نصره الله اذ اخرجہ الذین کفروا فانی
اثنتین اذہما فی النار» و هیچیک در تفصیل آیات و
مستدرک آن مذکور نیست .

۲- بیغبرائیکه در تورات مذکور نیستند
(باب سیم) فقط در سوره ابراهیم از آیه ۹ تا ۱۵ را ذکر
کرده است ، باز چند تن دیگر از انبیاء را بخصوص نام
برده است که ذکر آنها هم در تورات نیامده شعیب
ذوالکفل ، ادریس ، هود ، صالح آنگاه قوم عاد را
ذکر کرده است در پنج سوره قرآن و در کشف المطالب
نیز همان پنج موضوع را نام برده است فرقان ، ۳۸
و ۳۹ . عنکبوت (۳۱) ذاریات ۴۱ و ۴۲ . قمر ۱۸
تا ۲۱ فجر ، ۲ ، ۶ ، ۷ . با آنکه در مواضع بسیار
ذکر این قوم آمده است . عجیب آنکه ذکر طوفان را
در عین باب فقط در سوره انعام آیه (۶) آورده است
اشاره بساین آیه شریفه . (الم یروا کم اهلکننا من قبلہم
من قرن مکنھم فی الارض مسالم نمکن لکم وارسلنا
السماء علیھم مدرارا و جعلنا الانھار تجری من تحتھم
فاهلکنھم بذنوبھم) . مراد از این آیه نه طوفان نوح
است نه طوفان قوم فرعون بلکه باران رحمت که خداوند
بر اقوام گذشته میفرستد و نعمت فراوان و آب های
جاری و آنان گناهکار شدند و خداوند بر آنها غضب
کرد و هلاک فرمود .

اگر مقصود طوفان نوح باشد ذکر آن در قرآن
بسیار آمده مفصلتر از این آیه و اگر باران رحمت و
ناسپاسی مردم باشد باز در آیات بسیار است و در کشف
المطالب قرآنی رحلی نیز بهمین یک آیه اشاره
کرده است .

۳- باز در تفصیل آیات و کشف المطالب
باب سیم ملاحظه میکنیم که فرعون را در یک سوره نام
برده است و آن سوره مزمل است (کما ارسلنا الی
فرعون رسولا فعصی فرعون الرسول) . و این نیز
بسیار عجیب است و غرض مؤلف تفصیل آیات معلوم
نیست اما در مستدرک آن موارد بسیار مذکور
است .

۴- عجیبترین مواضع این باب مطلب هیچدم
آن است که مسیح را فقط در سوره انعام آیه ۵
ذکر کرده است با آنکه ذکر آن حضرت در همه جای
قرآن است غیر این آیه و در کشف المطالب نیز گوید

اشاره بمسیح و تکذیب و استنزای یهود یک آیه و
همین آیه که در قرآن موجود نیست ذکر کرده است .

۵- ملاحظه میکنیم از باب هفتم تا ۱۱ همه
مطالب آن در یکدیگر تداخل دارند علم کلام شامل
اثبات وجود خدا و صفات او و دین و عقائد بنظر
مسلمانان و در لغت عربی دو مطلب جدا از هم نیستند
اما مؤلف موافق اصطلاح خود مسیحیان لغاتی که
مفاهیم آن از یکدیگر جدا هستند آورده که ما بآن
مأنوس نیستیم و مترجم عربی یا فارسی بدون تحقیق
الفاظی در ترجمه بکار برده است که ما مقصود را
نمی فهمیم دین البتہ ترجمه (religion) و عقاید
ترجمه foi و این دو کلمه در لغت فرانسه با یکدیگر
فرق دارند و موافق اصطلاح مذهبی عیسویان هر یک
بچیزی گفته میشود غیر دیگری . و کلام ترجمه
théologie شامل مسائل خاص است غیر هر دو و
اگر کسی خواهد این مطالب را موافق اصطلاح
مسلمانان مرتب کند باید یابی در اصول دین باز
کند و توحید و نبوت و عقاید را جزء آن قرار دهد و
برای عقاید و دین دو فصل جداگانه لازم نیست .

۶- در باب ۱۳ شریعت و در باب ۱۴ نظام
اجتماعی و در باب ۱۲ عبادات و در باب ۱۶ تجارت
نیز مناسب با اصطلاح مسلمانان نیست چون شریعت
شامل عبادات و معاملات و تکلیف و طلاق و امثال آن که
جزء نظام اجتماعی است و قصاص و سیاست می شود ،
اما در ذهن مسیحیان فقه کاملی نظیر فقه ما مشتمل
بر همه این ابواب موجود نیست برای هر یک بسای
جدا آورده و شریعت در اصطلاح وی ترجمه هر کلمه
باشد خاص قصاص و عفو است .

۷- در باب ۱۴ در ذیل عنوان الرجال آیات
بسیار آورده است که خاص مردان نیست این خطا
از مترجم است نه از مؤلف چون در لغت فرانسه
homme مشترک است گاهی از آن مطلق انسان اراده
می کند و گاه مرد بخصوص در مقابل زن و مراد
مؤلف در اینجا مطلق انسان بوده است چنانکه یکی
از آیات مذکوره (ان الانسان لربہ لکنود) است در
سوره عادیات .

برای نمونه آنچه ذکر کردیم کافی است و
مناسب است مترجمان خردمند و هوشیار چون خواهند
امثال این کتب را ترجمه کنند انس ذهنی خوانندگان
را در نظر گیرند و با اصطلاح آنان سخن گویند و گر نه
کتابی چنین مفید بی فائده خواهد ماند .